

چشمه روشن ادب

یادی از دکتر غلامحسین یوسفی، نویسنده و مصحح متون ادبی در سی و سومین سالروز درگذشت او

بازگشت او به مشهد. آغاز دوران پربار او بر منصب تدریس بود. اعتقاد داشت اساس بالندگی و رشد هر جامعه ای در گرو تربیت دانشجویان آن است. بنابراین در شرایطی که می توانست در عناوین مختلف دولتی مشغول به کار شود، کرسی تدریس را بر هر شغل دیگری ترجیح و حمایت از دانشجو را نه فقط در سال های تحصیل که پس از آن نیز با راهنمایی های بی دریغ، ادامه داد. امید او به خروجی های دانشکده ادبیات بود تا درخت پربار تاریخ و تمدن ایرانی، استوار و مستحکم باقی بماند. پس در این راه با وسواس بسیار در انتخاب نیروهای علمی دانشکده ادبیات، دقت داشت و در ادامه با ایجاد مقطع کارشناسی ارشد و دکتری ادبیات فارسی در سال های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۵ گام های بلندتری در پیشبرد علم و دانش در مشهد برداشت. فعالیت دکتر غلامحسین یوسفی بیش از هر چیز در دو حوزه نقد ادبی و تصحیح متون کهن نمود داشت که در این بی برای تصحیح متون کهن بر پایه اصول علمی و نسخ خطی، از هیچ منبعی برای تکمیل

دکتر غلامحسین یوسفی، نام درخشانی در میان دو نسل از ستارگان تاریخ ادب معاصر است. او که در جست و جوی میراث زبان فارسی، جرعه جرعه از چشمه ادب بدیع الزمان فروزانفر و ملک الشعرای بهار سیراب می شد، روزگاری خود روشنائی راه ادب جویان خوش نامی چون دکتر علی شریعتی، شفیع کدکنی و محمدجعفر یاحقی قرار گرفت. اندیشمند ارزشمندی برخاسته از مشهد که پایه های علم و دانش خود را تا پایان دوره متوسطه در خاک این شهر مستحکم کرد و پس از آن مشتاقانه برای سیر در عالم بی کران زبان و ادبیات فارسی به تهران رفت. اتصال او به زادگاهش در ایام دانشجویی با تأسیس و سردبیری ماهنامه «نامۀ فرهنگ» در سال های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۳ پایرجا ماند و پس از آن با دفاع از پایان نامه دکتری خود در سال ۱۳۳۵ به مشهد برگشت. در حالی که علاوه بر مدرک دکتری زبان و ادبیات فارسی، مدرک کارشناسی حقوق قضایی و سیاسی را نیز در دست داشت.



طرح: حسن صافی/شهرآرا

درباره کتابخانه دکتر یوسفی به نقل از دکتر محمدجعفر یاحقی

کند تا روح شوهر پاک نهادش به آرامشی ابدی برسد. این بود که بی هیچ تردیدی همان کاری را کرد که اگر خود او بود می کرد. اهدای همه کتاب های دکتر یوسفی به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی و به طور اختصاصی گروه زبان و ادبیات فارسی. این همان کاری بود که باید می شد. همسر یوسفی کتابخانه وی را

را برای دانشجویان آسان می کرد. مقاله ارزنده او درباره ظرایف هنر استاد بنان با عنوان «آواز بنان» نشان دهنده عمق آشنایی او با موسیقی ایرانی است.

آراستگی به هنر های دیگر

افزون بر این، او خطی خوش داشت و نستعلیق و شکسته نستعلیق را بسیار عالی می نوشت. بخشی از یادداشت دکتر سلمان ساکت، منتشر شده در روزنامه شهرآرا ۱۵ آذر ۱۳۹۹

حکایت اندرز حکیم در مسیر اوشان به فشم و حالا برعکس



شاعر و نویسنده امیرمهدی آزاد

باشد و هم به یک کاری بیاید.» حکیم گفت: «رهنمودهای من همگی جوری هستند که به کار می آیند و اتفاقاً مزیت نسبی من در قیاس با حکمای دیگر همین است.» وی افزود: «اتفاقاً خوب موقعی رسیدی. رهنمونی تازه دارم که تابه حال به کسی نداده ام.» مرد گفت: «منون می شوم آن را به من بدهی.» حکیم گفت: «کاری را که می گویم انجام می دهی و سپس نزد من باز می گردی تا معانی پنهان آن را برایت بازگو کنم. از اوشان به سمت فشم برو. اولین چیزی را که دیدی بخور، دومین چیزی را که دیدی مخفی کن، سومین چیزی را که دیدی ناامید کن، و از چهارمین چیزی که دیدی دوری کن. خیرش را ببینی.» شخص رهنمود را گرفت و از

سال ها پیش در ناحیه لواسانات حکیمی زندگی می کرد که برخلاف حکمای دیگر که صرفاً در حالات معنوی خود مستغرق بودند و اقتضائات زندگی مردم عادی را مورد ملاحظه قرار نمی دادند، حکیمی کاربردی بود و برای رفاه حال مراجعان خود، به آن ها توصیه ها و اندرزهای کاربردی ارائه می کرد. حکیم لواسانی مریدانی نیز داشت که علاوه بر تلمذ مستقیم حکمت از حکیم، نحوه عملکرد مراجعان در به کار بستن توصیه ها و اندرزهای حکیم را نیز به عنوان کبس مطالعاتی مورد مذاقه قرار می دادند و از این رهگذار برای خود توشه های معنوی می اندوختند. روزی از روزها مردی با عجله به نزد حکیم لواسانی رفت و گفت: «ای حکیم بزرگ، خدا خیرت بدهد، مرا رهنمودی بده که هم جالب

الهی همیشه مهربانی

الهی عظیم الشانی و همیشه مهربانی، قدیم احسان و روشن برهانی، هم نهانی هم عیانی، از دیده ها نهانی و جان ها را عیانی، نه به چیزی مانی تا گویم که چنانی، آنی که خود گفתי و چنان که خود گفתי آنی.

مناجات نامه / خواجه عید... انصاری



عکس روز

درس مهربانی

به راستی «مهربانی» معیار برتری آدم ها از یکدیگر است. حضرت رسول (ص) می فرماید: هر که حتی به لاشه گنجشکی رحم کند، خداوند در روز قیامت بر او رحم آورد. یکی از مصداق های ستودنی این مهربانی کسانی هستند که با همدلی و همراهی از هم نوعان کم توان و محروم مراقبت می کنند. مرکز نگهداری از دختران معلول ذهنی بالای چهارده سال «پردیس» تنها مرکز ایزوله نگهداری از دختران بی سرپرست، بد سرپرست و با هویت ناشناسی است که با ظرفیت ۴۵ نفر و با وجود مشکلات عدیده مالی همچنان سرپاست. این مرکز مدتی است که به خاطر کمبود بودجه از مشهد به شاندیز منتقل شده است.

برای مشاهده گزارش تصویری کد را اسکن کنید.

عکس: میلاد سمگانی/شهرآرا



SHAHRRARANEWS.IR

۳شنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: شهرداری مشهد مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹ به اطلاع مخاطبان محترم روزنامه شهرآرا می رساند، به زودی شماره های تماس با این موسسه اعلام خواهد شد.

دمای هوای مشهد

۳۲٪ رطوبت هوا

۲۱° ↑ ۵° ↓

صبح ۷° ظهر ۱۸° عصر ۱۷° شب ۱۲°

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۲۲:۰۲ نیمه شب شرعی ۲۲:۳۷:۰۳ غروب آفتاب ۱۶:۱۶:۲۲ اذان صبح فردا ۰۴:۵۷:۴۵ اذان مغرب ۱۶:۳۶:۳۷ طلوع آفتاب فردا ۰۶:۲۷:۴۲

کارتون شهر



کسانی که ماهانه ۲۳ میلیون تومان درآمد داشته باشند، از ۹۰ درصد جامعه ثروتمندترند!



مجید ادیبی

چه ها

گرانی، سفره ها را شست، برد

شده کالای لوکس! زعفران، یادام، پسته، برنج. کی فکرش را می کرد که گوجه فرنگی کیلویی ۴۵ هزار تومان را هم حتی همه نتوانند بخرند؟ کی خوابمان برد و بیدار شدیم و دیدیم که تا آخر ماه شکم خودمان را سیر نگه داریم شاهکار کرده ایم و مهمانی گرفتیم و دورهمی، برایمان ارد ناشتاست. فقر چگون فقره چکانی به خوردمان رفت که ۹۰ درصد جامعه شد فقیر؟



روزنامه نگار فحی زارنگانیو

روزنامه دنیای اقتصاد در بخشی از گزارشی که ماه گذشته با موضوع گرسنگی منتشر کرده، نوشته است: «وضع بد اقتصادی، در یک دهه گذشته دامن گیر قشرهایی که بالای خط فقر بوده اند هم شده است. این مسئله یک نکته مهم دیگر را نیز آشکار می کند، اینکه کاهش فاصله غیرفقیرها با خط فقر موجب شده است خانوارهای نزدیک به خط فقر نیز تفاوت چندانی با فقرا از لحاظ معیشت نداشته باشند. براین اساس، مشاهده می شود در دهه ۹۰، مصرف کالاهای اساسی کم شده و بیشترین کاهش مصرف در گوشت قرمز و شیر اتفاق افتاده است.» موضوعی که حاکی از ترمزهای بریده تورم در یک دهه گذشته است.

بچه که بودیم. مهمانی بود، دورهمی بود، خانه عمه و عمو و دایی و خاله بود و خانه مادربزرگ هم خانه خودمان بود اصلاً. عید می شد بساط مهمانی به راه بود. عروسی می شد، پاگشا داشتیم، تولد می شد، همه فامیل دورهم جمع می شدیم و القصه به هر بهانه ای سفره ها پهن و پر بود. سفره حضرت ابوالفضل^(ع). حضرت قاسم^(ع)، حضرت زهرا^(س) و... هم بودند بعد محرم و صفر که می شد بساط نذری به راه. آن هم فقط برای حاجت گرفتن نه سیر شدن و بعد از ماه ها، غذای گرم خوردن! ما رنگ دیوار خانه های فامیل، تعداد پستی ها و طرح قالی های هم را از حفظ بودیم. حالا هم نه اینکه آدم ها عوض شده باشند، نه! زالوی فقر افتاده به جان خانه ها و خانواده ها و خوششان را می مکد. مرکز مارگفته است اگر درآمد یک خانواده ماهی ۲۳ میلیون تومان باشد جزو ۱۰ درصد قشر ثروتمند جامعه به حساب می آید! وای به حال آن ۹۰ درصد! وای به حال ما! چقدر دلان تنگ شده برای حاجت گرفتن پای دیگ شله زرد نذری؟ اما همین شله زرد هم تمامی اقلام مورد نیازش